

چالش‌های فقهی - حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی

سید علیرضا میرکمالی*

محمد مهدی حسنی**

سحر رجبی فرد***

چکیده

رفت و آمد شهروندان کشورهای مختلف از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است و عدم توجه به این مسأله پیامدهای نامطلوبی خواهد داشت. دین اسلام گردشگری و آثار مثبت آن را مدنظر داشته است و از این رو آیات مختلفی از قرآن کریم و روایات مأثوره از ائمه معصومین علیهم‌السلام با امر و تشویق به «سیر» و «سیاحت» و «سفر» ابعاد مادی و معنوی گردشگری را مورد توجه قرار داده‌اند. فقه اسلامی نیز با بهره‌گیری از قرآن و سنت و با امعان‌نظر به ضرورت و اهمیت مسأله گردشگری و جهانگردی برای ورود و حضور غیرمسلمانان در کشور اسلامی ضوابطی را متناسب با وضعیت آنان تعیین نموده است. در مورد چالش‌های فقهی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی مباحث متعددی قابل طرح است. ابتدا پاسخ به این سؤال ضروری می‌نماید که آیا ورود اولیه غیرمسلمانان به کشور اسلامی و اقامت آنان در آنجا امکان‌پذیر است یا خیر؛ و وضعیت رفت و آمد آنان در گستره کشور اسلامی چگونه می‌باشد؟ پس از پاسخ به این سئوالات باید بازدید گردشگران غیرمسلمان از اماکن مقدّس مورد بررسی قرار بگیرد. در ادبیات فقهی ما این موضوعات تحت سه عنوان «ورود کفار به مسجدالحرام»، «سکنی‌گزینی کفار در سرزمین حجاز» و «ورود کفار به مساجد» مورد بحث قرار گرفته‌اند. بحث تفصیلی در دو مورد نخست به دلیل مبتلا به نبودن در کشور ما بی‌فایده خواهد بود اما بررسی ورود غیرمسلمانان به مساجد و سایر اماکن مذهبی دارای اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، غیرمسلمان، کشور اسلامی، مکان مذهبی.

sarmirkamali@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول)

m.hassani@isu.ac.ir

sahar.rajabifard@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه تهران

مقدمه

در روابط بین‌المللی رفت‌وآمد شهروندان هر کشور به سایر کشورها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است و عدم توجه به این مسأله پیامدی جز انزوای بین‌المللی، کاهش رشد و پیشرفت و ارائه تصویری مبهم و بعضاً ناصحیح از فرهنگ بومی به جامعه بین‌المللی نخواهد داشت. در مقابل می‌توان به آثار مهم آن همچون تبادلات میان‌فرهنگی و در نتیجه دستیابی به دانش‌های بومی، شناسایی و معرفی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه هر کشور در زمینه‌های مختلف و الگوبرداری از روش‌ها و سیستم‌های اجرا شده موفق اشاره نمود. در جهان امروز، کشورها با تأکید بر ابعاد سیاسی و فرهنگی جهانگردی، از ظرفیت این صنعت به منظور معرفی بهینه‌ای و بهبود وجهه کشور خود بهره می‌برند.^۱ وجهه یا تصویر، محور مهمی در تحقیقات مربوط به جهانگردی از دهه ۱۹۶۰ بوده است و این باور وجود دارد که یکی از عوامل کلیدی در انتخاب مقصد در جهانگردی است. گردشگری از مهم‌ترین ابزارهای تبادلات میان‌فرهنگی محسوب می‌شود. گستره وسیع گردشگری که هم مسافرت‌های برون‌شهری را شامل می‌گردد و هم مسافرت‌های برون‌مرزی را در برمی‌گیرد، زمینه مناسبی را برای رفت‌وآمدهای فرهنگی ایجاد می‌نماید که در اثر آن فواید اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی هم در پی خواهد داشت که بیشترین منافع عائد کشور میزبان می‌گردد. دین مبین اسلام به‌عنوان دینی جامع و کامل، گردشگری و آثار مثبت آن را مدنظر داشته است. در آیات مختلفی از قرآن کریم با امر به «سیر» و «سیاحت» در زمین به این موضوع اشاره شده است.^۲ ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، هم با تشویق به سفر و گردشگری، فواید مادی و معنوی آن را هم متذکر شده‌اند و هم سیره عملی ایشان مؤید این مطلب است.^۳ تأمل در آیات و روایات مربوط به موضوع ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نگاه اسلامی در این مسأله علاوه بر فواید مادی سفر، بر آثار معنوی آن هم معطوف می‌باشد و از همین روست که می‌بینیم بیش از تفریح و «تنزه» و کسب مال و تجارت، عبرت‌پذیری، درس‌آموزی و «افاده

1. Anholt, Simon, Brand New Justice: The Upside of Global Branding, Butterworth Heinemann, Oxford, 2003, p. 59.

۲. از جمله: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» «آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیشاپیش از آن‌ها بوده‌اند، چه شد؟!» (سوره یوسف، آیه ۱۰۹) و همچنین «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» «بگو در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است.» (سوره عنکبوت، آیه ۲۰) یا «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ» «در زمین سیاحت کنید» (سوره توبه، آیه ۲)
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ جَاهِدُوا تَغْنَمُوا وَ حَجُّوا تَسْتَعْنَمُوا» «مسافرت کنید تا سلامت باشید، جهاد کنید تا سود برید، حج کنید تا غنی شوید.»؛ و همچنین قَالَ النَّبِيُّ (ص): «سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَغْنَمُوا مَالًا أَفَدْتُمْ عَقْلًا» «مسافرت کنید که اگر مالی بدست نیارید بهره عقلانی می‌برید.» و در حدیث نبوی دیگری هم آمده است: «السَّفَرُ مِيزَانُ الْقَوْمِ» «سفر میزان مردم است.» (طبرسی، شیخ حسن، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم، منشورات الشريف الرضي، ۱۳۷۰، ص. ۲۴۰).

عقل» مورد تأکید قرار گرفته است. فقه اسلامی نیز با بهره‌گیری از قرآن و سنت و با امعان نظر به ضرورت و اهمیت مسأله گردشگری و جهانگردی و آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن علی‌الخصوص در زمینه تبلیغ اسلام، برای ورود و حضور غیرمسلمانان در کشور اسلامی شرایط و ضوابطی را متناسب با وضعیت آنان تعیین نموده است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت تحقیق و تتبع در این حدود و ثغور فقهی برای ورود و حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی با تأکید بر قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. روشن شدن مرزهای فقهی این موضوع از این جهت دارای اهمیت است که از لازمه‌های اصلی ایجاد فضای همکاری بین‌المللی در حوزه رفت‌وآمد گردشگران در جهت توسعه صنعت گردشگری، تبیین احکام و آثار فقهی - حقوقی آن در کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که عدم توجه به این نکته می‌تواند مشکلات متعددی را در حوزه‌های داخلی و خارجی به وجود آورد. ادبیات فقهی مرتبط با مسأله مورد بحث را باید در مباحث مربوط به ورود کافران به مساجد به‌طور کلی و مسجدها به‌طور خاص و همچنین حضور و سکنی‌گزینی در منطقه حجاز و برخی مباحث پراکنده دیگر - که در خلال مباحث مورد اشاره قرار خواهیم داد - جستجو نمود. برای ورود به بحث ابتدائاً جغرافیای فقهی و مسائل مربوط به دارالاسلام و دارالکفر و دارالحرب را بررسی می‌نماییم و پس از آن به گونه‌شناسی غیرمسلمانان در لسان فقها خواهیم پرداخت. با بررسی اصول کلی حاکم بر رفتارهای غیرمسلمانان در کشورهای اسلامی، زمینه برای ورود به بحث اصلی که چالش‌های فقهی - مصداقی گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی می‌باشد، فراهم می‌گردد.

۱. جغرافیای فقهی

در حوزه روابط بین‌المللی کشور اسلامی مباحث مربوط به دارالاسلام و در مقابل آن دارالکفر (و یا دارالشک و دارالحرب) از موضوعات مهمی است که مورد بحث و تفحص فقها در حوزه تعریف و تحدید واقع شده است. هم در بین فقهای عامه و هم در بین فقهای امامیه تعاریف مختلفی از دارالاسلام و اصطلاحات مرتبط با آن ارائه شده است که ما در اینجا به جهت اختصار تنها به بیان نظرات فقهای امامیه بسنده می‌نماییم.^۱

در نظر شهید اول «منظور از دارالاسلام جایی است که احکام اسلام در آن جاری و اثرگذار باشد.»^۲

۱. علاقمندان برای اطلاع از نظرات فقهی اهل تسنن؛ ر. ک: عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۶.

۲. عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، ص. ۷۸.

شیخ طوسی پس از تقسیم‌بندی کشورها به دارالاسلام و دارالحرب، دارالاسلام را بر سه دسته می‌داند و می‌نویسد: «دارالاسلام بر سه گونه است: اول شهری که در زمان اسلام به دست مسلمین و بدون دخالت کفار ساخته شده است؛ مانند بغداد و بصره. ... دوم شهری که سابقاً دارالکفر بوده سپس مسلمین بر آن سلطه یافتند و با صلح و بدون جنگ از آنان گرفته‌اند و در مقابل دریافت جزیه، آن شهر را به کفار و گذارده‌اند ... سوم شهری که در دست مسلمانان بوده و کافران بر آن غلبه یافته و چیره شده‌اند؛ مانند طرسوس...»^۱ علامه حلی نیز پس از ارائه تقسیم‌بندی سه‌گانه شافعی، دارالاسلام را بر دو قسم می‌داند و می‌نویسد: «اقوی این است که دارالاسلام دو گونه است: الف- شهری که مسلمانان آن را بنا کرده‌اند؛ مانند بغداد و بصره و کوفه ... ب- شهری که مسلمانان در جنگ فتح نموده‌اند؛ مانند مداین و شام.»^۲ و در مقابل دارالکفر را هم این‌گونه تقسیم‌بندی می‌نماید: «الف- شهری که در اختیار مسلمانان بوده و کفار بر آن چیره شده‌اند؛ مانند شهر ساحل... ب- شهری که اصلاً در اختیار و سلطه مسلمین نبوده است؛ مانند سرزمین‌های هند و روم.»^۳

صاحب جواهر پس از بیان نظرات فقهی مختلف درباره مسأله مورد نزاع، بحث تفصیلی در این باره را به دلیل عدم تعلیق حکم بر دارالاسلام و دارالکفر در نصوص شرعی بی‌فایده دانسته و در نهایت نظر شهید اول را می‌پذیرد: «معنایی برای دارالاسلام متصور نیست مگر جایی که احکام اسلام در آن نفوذ داشته باشد هر چند که ساکنان آن کفار باشند.»^۴ بنابراین ملاک اصلی در تشخیص دارالاسلام بودن شهرها، جاری بودن احکام در آنهاست چه حاکمیت آن منطقه به دست مسلمانان باشد چه نباشد و همچنین چه غلبه جمعیت با مسلمین باشد چه نباشد.

۲. گونه‌شناسی غیرمسلمانان

در ادبیات فقهی ما، غیرمسلمانان به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند: غیرحربی و حربی. غیرحربی نیز شامل سه گروه ذمی، مستأمن و معاهد می‌شود.^۵ در قوانین اسلامی

۱. طوسی، محمد بن حسن، المیسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق، ص. ۳۴۳.

۲. حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء (طبعه القدیمه)، بی‌جا، بی‌تا، ص. ۲۷۵.

۳. همان، ص. ۲۷۶.

۴. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۳۸، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص. ۱۸۶.

۵. این تقسیم‌بندی در مباحث متعدد و مختلف فقهی از جمله و بیشتر در بحث حدود و دیات مورد اشاره قرار گرفته است. برای نمونه رک: طوسی، الخلاف، جلد ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق، ص. ۲۶۴.

برای هر یک از این اصناف، احکام و قواعد ویژه‌ای برای حضور در سرزمین اسلامی وضع شده است که ذیلاً با تعریف هر کدام از این اقسام به بیان احکام آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. ذمی

«ذمی» به آن دسته از اهل کتاب (یهود، نصاری و مجوس) که با حکومت اسلامی قرارداد ذمه امضاء نموده‌اند، گفته می‌شود و با پرداخت مالی تحت عنوان جزیه مورد حمایت دولت اسلامی قرار می‌گیرند. اقلیت‌های مذهبی مذکور برای آنکه بتوانند به‌عنوان شهروند در سرزمین اسلامی زندگی کنند و از حقوق و مزایایی برخوردار شوند بایستی با حکومت اسلامی قرارداد ذمه منعقد نمایند. با بستن قرارداد ذمه، غیرمسلمان طرف قرارداد مورد حمایت دولت اسلامی قرار می‌گیرد و جان و مال و ناموس وی محترم شمرده می‌شود و همچنین می‌تواند احوال شخصیته مانند ازدواج، طلاق و ارث و یا برخی اعمال دیگر مانند خوردن مشروب یا گوشت خوک را بر طبق آیین خود انجام دهد. در مقابل، اهل ذمه هم بایستی پای‌بند به قرارداد ذمه و شرایط آن باشند، از انجام اعمال منافی قوانین اسلامی در معرض عموم خودداری کنند و علیه دولت اسلامی اقدام به فعالیتی همچون جاسوسی ننمایند.

اصل سیزدهم قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را به عنوان تنها اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزاد اعلام نموده و همچنین مجاز دانسته تا در احوال شخصیته و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. اصل بیست و ششم نیز آزادی اقلیت‌های دینی را مورد تصریح قرار داده است اما هیچ یک از اصول قانون اساسی و مواد قانونی، اقلیت‌های دینی اهل کتاب را اهل ذمه ندانسته و احکام ذمه را بر آنان بار ننموده است.

وفق بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱م^۱ «دولت‌های متعاقد هیچ نوع حقوق و عوارض یا مالیات غیر از آن چه در موارد مشابه از اتباع خود اخذ می‌نمایند - یا بیشتر از آن - به پناهندگان تحمیل نخواهد کرد.» بنابراین اخذ مبلغی مازاد بر مبالغ دریافتی از پناهندگان برخلاف کنوانسیون مذکور می‌باشد، پس به طریق اولی، اخذ مبالغ مازاد از اتباع خارجی نیز ممنوع است. امروزه عملاً اخذ جزیه صورت نمی‌گیرد و در نتیجه در عصر حاضر غیرمسلمانانی تحت عنوان ذمی که در قبال پرداخت جزیه اجازه اقامت می‌گیرند، در کشور ما وجود ندارد. اما غیرمسلمانان حتی غیر اهل کتاب می‌توانند پس از طی مراحل قانونی، مجوز اقامت دائم و حتی تابعیت کشور اسلامی را اخذ نمایند. در مورد اخذ مجوز اقامت دائم ماده ۴ قانون راجع

۱. این کنوانسیون در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ اشعار می‌دارد: «اقامت دائم در صورتی است که خارجی در خاک ایران اقامتگاه قانونی اختیار نموده باشد.» در رابطه با کسب تابعیت هم طبق ماده ۳۴ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱م «دول متعاهد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهند.» بنابراین باید تلاش در رعایت حقوق و تسریع تهیه تسهیلات برای اتباع خارجی که نسبت به پناهندگان اولویت دارند، مورد توجه بیشتری قرار بگیرد. در این رابطه ماده ۴ قانون توسعه صنعت ایران‌گردی و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰، گمرک ایران را موظف به ایجاد تسهیلات ویژه جهت جهانگردان خارجی در مبادی ورودی و خروجی می‌نماید.

۲-۲. معاهد

«معاهد» به غیرمسلمانانی اطلاق می‌شود که خارج از سرزمین اسلامی و در سرزمین خود زندگی می‌کنند اما با دولت اسلامی قرارداد صلح و ترک مخاصمه امضاء نموده‌اند و تعهد به عدم تعرض متقابل کرده‌اند. بر اساس قرارداد منعقدہ جان و مال و ناموس آن‌ها مورد احترام و مصونیت قرار می‌گیرد. دولت اسلامی می‌تواند بر اساس قوانین و مصالح جامعه اجازه ورود و اقامت در کشور اسلامی را برای فعالیت‌های مختلفی همچون تجارت، گردش و تحصیل به غیرمسلمانان معاهد بدهد.

با توجه به تصریح منشور ملل متحد در بند ۱ ماده ۱ «نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی»، «اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری از تهدیدات بر علیه صلح»، «از بین بردن هر اقدام تهاجمی یا هر اختلال صلح به نحو دیگر»، و «عملی کردن تنظیم و تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات و یا وضعیت‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند و ممکن است صلح را بر هم زنند» مرام و مورد قبول تمامی کشورهای جهان است.^۱ همچنین بند ۲ ماده مذکور «توسعه روابط دوستانه در میان ملل» را مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین امروزه با تعهد کشورهای جهان مبنی بر ترک مخاصمه می‌توان اصل را معاهد بودن کشورها قرار داد و کشوری که نقض تعهد نماید بر خلاف اصل رفتار کرده و از چارچوب قرارداد معاهده خارج است.

بند ۴ ماده ۲ نیز با اشعار به همین مطلب، بیان می‌دارد: «اعضاء سازمان در روابط بین‌المللی خود، از توسل به تهدید و یا استعمال قوه، خواه بر ضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر مملکت، و خواه به هر نحو دیگری که با مرام‌های ملل متحد متباین

۱. این منشور در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۲۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

باشد خودداری می‌نمایند.» این تعهد به معنای پذیرش صلح و خروج کشورها از عنوان دارالحرب و اطلاق دارالصلح بر آنها است.

۲-۳. مستأمن

«مستأمن» غیرمسلمانی است که از دولت اسلامی درخواست پناهندگی و امان نموده است تا برای آشنایی با دین اسلام و تحقیق در احکام و معارف آن و مطالعه فرهنگ اسلامی و یا انگیزه‌های صحیح دیگر وارد سرزمین اسلامی شود.^۱ مستأمن در پناه دولت اسلامی است تا زمانی که به فعالیت‌های صحیح خود می‌پردازد و علیه دولت اسلامی اقدام ننماید. قرارداد امان از بهترین راهکارهای قوانین اسلامی برای تبلیغ اسلام است که زمینه را برای آشنایی غیرمسلمانان با احکام و معارف اسلامی فراهم می‌نماید. ماده ۴ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ بیان می‌دارد: «اقامت اتباع خارجه در ایران بر دو قسم است: اقامت موقت و اقامت دائم. اقامت دائم در صورتی است که خارجی در خاک ایران اقامتگاه قانونی اختیار نموده باشد و در غیر این صورت اقامت خارجی در ایران موقت محسوب می‌شود.» بنابراین چه بسا نویسندگان قانون در حین تدوین آن به مفهوم فقهی مستأمن امعان نظر نداشته‌اند ولی می‌توان این مفهوم فقهی را بر مفهوم قانونی مقیم موقت تطبیق داد.

۲-۴. حربی

«حربی» به غیرمسلمانی گفته می‌شود که تحت هیچ کدام از قراردادهای ذمه، معاهده و امان درنیامده است. کافران حربی اگر اعلام بی‌طرفی و عدم توطئه و ستیزه‌جویی علیه مسلمانان نمایند، از سوی دولت اسلامی هیچ‌گونه مصونیت و حرمتی ندارند. کافر حربی حق سکونت در سرزمین اسلامی را ندارد و در صورت ورود به کشور اسلامی تأمین جانی و مالی ندارند. نکته قابل توجه این است که کافر حربی اعم از کافرانی است که با مسلمانان اعلام جنگ کرده‌اند و کافرانی که اعلام جنگ ننموده‌اند اما قراردادی با دولت اسلامی نیستند. بنابراین واژه «حرب» نباید ما را به این اشتباه بیندازد که حربی را تنها کفار در حال حرب و جنگ با مسلمانان بدانیم. در نتیجه کفاری هم که اعلام بی‌طرفی ننموده‌اند، داخل در عنوان حربی خواهند بود. در زمان حاضر دیگر کافر حربی در معنای اصطلاحی خود که جان و مالش مصونیت و حرمتی نداشته باشد، مصداق خارجی پیدا نمی‌کند. ماده ۳ اساسنامه سازمان جهانی جهانگردی هدف اساسی سازمان را «تشویق و گسترش جهانگردی به منظور کمک به توسعه اقتصادی و تفاهم بین ملت‌ها و

۱. جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ و یاسر مزاح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البیت علیهم السلام، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ ق، ص. ۵۰۱.

صلح و آسایش و احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه» معرفی می‌کند و قسمت اخیر ماده هرگونه «تبعیض از نظر نژاد و جنس و زبان و دین» را رد می‌نماید. البته بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱م در مورد پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناه‌دهنده به سر می‌برند بیان می‌دارد: «دولت‌های متعاقد پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی و آزادیشان به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بوده بدون اجازه به سرزمین آن‌ها وارد شده یا در آنجا به سر می‌برند به خاطر این که بر خلاف قانون وارد سرزمین آن‌ها شده‌اند یا در آن سرزمین به سر می‌برند مجازات نخواهند کرد مشروط بر اینکه بلادرنگ خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده دلائل قانع‌کننده‌ای برای ورود یا حضور غیرقانونی خود ارائه دهند.»

۳. مؤلفه‌های حاکم بر رفتارهای گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی

غیرمسلمانان تحت هر عنوان اعم از ذمی و معاهد و مستأمن و برای هر نوع فعالیت اعم از گردشگری، تحقیق، تحصیل و یا بازرگانی که به کشور اسلامی آمده باشند و چه به صورت موقت و یا دائم در آنجا حضور داشته باشند ملزم به رعایت قوانین و مقرراتی هستند و اصولی بر ورود و حضور آنان به کشور اسلامی حاکم است. اصولی که عدم رعایت آن‌ها می‌تواند اصل رابطه با غیرمسلمانان را هم زیر سوال ببرد. مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط غیرمسلمانان با مسلمانان اصل «نفی سلطه کفار» است که از آن به قاعده نفی سبیل تعبیر می‌کنند. دین مبین اسلام همان‌گونه که مسلمانان را از تجاوز و تعدی به دیگران بر حذر می‌دارد،^۱ هرگونه رابطه و مراوده‌ای را هم که موجب سلطه یافتن کفار بر مسلمانان شود، ممنوع اعلام کرده است. قاعده نفی سبیل از قواعد ثانویه فقهی است^۲ که بر سایر عمومات و اطلاعات و قواعد اولیه‌ای همچون اصل آزادی روابط بین‌المللی و پای‌بندی به قراردادهای حکومت دارد^۳ و در صورت تعارض آن‌ها را از اعتبار ساقط می‌نماید: «چنانچه روابط سیاسی فیما بین دولت اسلامی و بیگانگان موجب تسلط یافتن آن‌ها بر سرزمین، نفوس و مال مسلمین شود و یا موجب سلطه سیاسی شود، این روابط و مناسبات برای رؤسای دولت‌های اسلامی حرام و قراردادهای پیمان‌های آن‌ها باطل است.»^۴ اهمیت این قاعده تا حدی است که برخی از فقها، ترس از سلطه یافتن کفار را هم از موارد اعمال قاعده دانسته‌اند.^۵ به لحاظ مبانی حقوقی نیز باید به این نکته توجه داشت که صلاحیت دولت در خصوص اعطای ویزا،

۱. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدَّقْتُمْ عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَغْتَدُوْا» «و خصوصت با جمع‌آوری‌کنندگان که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند» (سوره مائده، آیه ۲).

۲. عمید زنجانی، پیشین، ص. ۳۰۷.

۳. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق، ص. ۱۹۳.

۴. خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، جلد ۱، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالعلم، بی‌تا، ص. ۴۸۶.

۵. همان.

صلاحیتی اختیاری است. بنابراین در مواقعی که ضرری از ورود فرد بیگانه به کشور محتمل است، دولت می‌تواند از اعطای ویزا به وی خودداری نماید^۱ و این ضرر اعم از ضرر امنیتی، اقتصادی و حتی فرهنگی است. طبق بند سوم ماده ۲ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران (اصلاحی ۱۳۳۷) اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهات دیگری منافی مصالح مملکتی باشد باید از اعطای ویزا به وی خودداری گردد. از دیگر اصولی که باید در بازدید غیرمسلمانان از کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد، احترام به قوانین و مقررات جامعه اسلامی است. به‌عنوان مثال فقها مستأمنی را که در دارالاسلام تظاهر به شرب خمر نموده است، مستوجب حد می‌دانند.^۲ این بدان معنی نیست که غیرمسلمانان ملزم به رعایت کامل آداب و رسوم مسلمین گردند و یا در انجام اعمالی که از نظر اسلام ممنوع است، کاملاً محدود باشند و نتوانند کارهایی که بر طبق آیین خودشان مباح اما در اسلام حرام است را انجام دهند، بلکه رفتار آنان در جامعه اسلامی نباید موجب تظاهر به فسق شود. در مورد حجاب زنان غیرمسلمان که برای گردشگری به کشور اسلامی آمده‌اند، اصولاً منعی وجود ندارد و با توجه به سیره مسلمین اهل ذمه هیچ‌گاه مجبور به رعایت حجاب نبوده‌اند. این به‌عنوان اصل اولی است اما چنانچه بنا به تشخیص حاکم مسلمین این مسأله موجب گسترش فساد و بی‌بندوباری در جامعه اسلامی گردد، به‌خاطر مصلحت و به‌عنوان حکم ثانوی می‌توان برای زنان گردشگر محدودیت حجاب قائل شد. در این رابطه ماده اول مقررات اخلاقی در صنعت گردشگری^۳ به لزوم شناسایی و احترام به ارزش‌های اخلاقی متعارف در خصوص مذاهب، باورهای فلسفی و اخلاقی، سنن اجتماعی و عادات تمام مردم اشاره می‌نماید. این ماده در ادامه تأکید می‌کند که «فعالیت‌های گردشگری باید باید به صورت هماهنگ با صفات و سنن مناطق و کشورهای میزبان، ضمن احترام به قوانین، رسوم و عادات هدایت گردد.»^۴

همچنین ماده ۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ در بیان وظایف کلی بیان می‌دارد: «هر پناهنده در کشوری که به سر می‌برد دارای وظایفی است که به‌موجب آن مخصوصاً ملزم می‌باشد خود را با قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید تطبیق دهد.» بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون مذکور نیز اشعار می‌دارد: «دول متعاقد پناهنده‌ای را که به‌طور منظم در سرزمین آنان به سر می‌برند، اخراج نخواهند کرد مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی.»

۱. مؤتمنی طباطبائی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص. ۳۳.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق، ص. ۴۳۹.

3. Global Code of Ethics for Tourism.

۴. تاج زاده نمین، ابوالفضل، «نگرشی بر جایگاه فرهنگ و ضوابط اخلاقی در گردشگری»، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۳، ص. ۱۶.

۴. چالش‌ها

در مورد چالش‌های فقهی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی مباحث متعددی قابل طرح است. ابتدائاً پاسخ به این سوال ضروری است که آیا ورود اولیه غیرمسلمانان به کشور اسلامی و اقامت آنان در آنجا امکان‌پذیر است یا خیر؟ و وضعیت رفت‌وآمد آنان در گستره کشور اسلامی چگونه است؟ پس از پاسخ به این سئوالات به بررسی بازدید گردشگران غیرمسلمان از اماکن مقدّس می‌پردازیم. در ادبیات فقهی ما این موضوعات تحت سه عنوان «ورود کفار به مسجدالحرام»، «سکنی‌گزینی کفار در سرزمین حجاز» و «ورود کفار به مساجد» مورد بحث قرار گرفته‌اند. از بحث تفصیلی درباره دو مورد نخست به دلیل مبتلابه نبودن صرف‌نظر می‌نماییم و تنها به ذکر همین نکته اکتفا می‌کنیم که دلیل ناروایی ورود غیرمسلمانان به مسجدالحرام، وجود نصّ صریح قرآنی است^۱ و بر حرام بودن سکنی‌گزینی کفار در سرزمین حجاز هم اجماع وجود دارد.^۲ اما ادله موافق و مخالف ورود غیرمسلمانان به مساجد را تفصیلاً مورد توجه قرار می‌دهیم و پس از آن به بررسی سایر مکان‌های مذهبی همچون امامزاده‌ها را در رابطه با موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

۴-۱. ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی و حضور در گستره آن

بی‌گمان قبل از هرگونه بحث درباره حضور گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی و رفت‌وآمد آنان در گستره کشور اسلامی و اماکن خاص لازم است تا ابتدا این مسأله مورد بررسی قرار بگیرد که اصل اولیه در مورد ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی چیست. همان‌گونه که در مباحث قبل اشاره شد در زمان حاضر و با توجه به قراردادهای بین‌المللی، غیرمسلمانان ساکن کشورهای اسلامی به عنوان ذمی محسوب می‌گردند و غیرمسلمانان ساکن سایر کشورها تحت عناوینی همچون معاهد و مستأمن قرار می‌گیرند و بنابراین در دوران ما اصولاً کافر حربی به معنای دقیق فقهی کمتر مصداق خارجی می‌یابد و تنها چنان‌چه غیرمسلمانی به ستیز و جنگ علیه حکومت اسلامی اقدام کنند و امنیت آن را مورد هجوم قرار دهند، تحت شمول عنوان کافر حربی و آثار و احکام آن قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه منعی برای ورود آنان به کشورهای اسلامی و اقامت در آن وجود ندارد. علاوه بر این، آیات مختلفی از قرآن کریم با دعوت به زندگی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال نزدیک مسجدالحرام شوند.» (سوره توبه، آیه ۲۸)

۲. نجفی، پیشین، جلد ۲۱، ص. ۲۸۸.

مسالمت‌آمیز و صلح‌محور،^۱ عدم اجبار در دین^۲، سفارش به نیکی با غیرمتجاوزین^۳ و تشویق به پناه دادن به مشرکین^۴ مؤید همین نظر است که ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی بلاشکال است؛ مگر آنکه به قصد اضرار به حکومت اسلامی و اقدام علیه آن باشد که در این صورت جایز نیست. صاحب جواهر در مورد جواز ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی ادعای اجماع نموده و می‌نویسد: «در مورد مشروعیت ورود غیرمسلمانان بین فقهای اسلامی اختلافی وجود ندارد ... بلکه بر دو نوعش اجماع وجود دارد.»^۵

همچنین با توجه به این مطالب واضح و روشن است که به‌طور کلی برای گردش غیرمسلمانان در گستره کشورهای اسلامی به شرط رعایت اصول پیش‌گفته منعی وجود ندارد و آن‌ها می‌توانند آزادانه به سیر و سیاحت در کشور اسلامی بپردازند. البته برای حضور غیرمسلمانان در برخی اماکن خاص مانند مساجد احکام ویژه‌ای وضع شده است که در مباحث بدان می‌پردازیم.

در زمان معاصر دیدگاه حاکم در مورد اتباع بیگانه بدین صورت است که اتباع بیگانه در ورود به ایران و اقامت در نقاطی که تمایل داشته باشند، آزادی دارند و این آزادی مشروط به داشتن گذرنامه و در اکثر موارد اخذ پروانه اقامت از مقامات مربوطه است. بنابراین یک تبعه بیگانه در زمان ورود به ایران می‌بایست اولاً دارای گذرنامه معتبر باشد و ثانیاً برای ورود به کشور از مقامات ایران مجوز لازم یعنی ویزا یا روادید را تحصیل کند.^۶ ماده یک قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ نیز به لزوم کسب اجازه اتباع خارجه برای ورود و اقامت و حتی خروج از مأموران ایران اشاره می‌نماید. همچنین طبق ماده ۱۵ این قانون (اصلاحی ۱۳۶۷) هر کس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به معقول بودن از آن‌ها استفاده کند و یا این قبیل اوراق مجعوله را برای دیگری تحصیل نماید به حبس تعزیری از ۱ تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه

۱. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگان در صلح و آشتی در آید.» (سوره بقره، آیه ۲۰۸) و «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» «و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی.» (سوره انفال، آیه ۶۱).

۲. «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» «در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.» (سوره بقره، آیه ۲۵۶)

۳. «لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ زیرا که خداوند عدالت، را دوست دارد.» (سوره ممتحنه، آیه ۸)

۴. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» «او اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود؛ سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان قومی نادانند.» (سوره توبه، آیه ۶)

۵. نجفی، پیشین، ص. ۹۲.

۶. مؤتمنی طباطبائی، پیشین، ص. ۳۳.

میلیون ریال محکوم می‌شود. ماده ۸ مقررات اخلاقی در صنعت گردشگری ضمن تأکید بر آزادی حرکت و تردد جهانگردان بیان می‌دارد: «رویه‌های اداری مربوط به عبور از مرزها مانند تشریفات مربوط به ویزا، درمان و گمرک؛ خواه در صلاحیت دولت‌ها و یا ناشی از توافقات بین‌المللی، باید تا جای ممکن برای تسهیل حداکثر آزادی سفر و دسترسی گسترده گردشگران بین‌المللی، تعدیل گردد.»^۱ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز حق آزادی رفت‌وآمد و تردد را مورد حمایت قرار می‌دهد. ماده ۲۶ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ در رابطه با آزادی رفت و آمد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین هریک از دول متعاقد به سر می‌برند این حق را می‌دهد که محل سکونت خود را انتخاب نمایند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. البته مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در این گونه موارد درباره خارجی‌ان اجرا می‌شود.

۴-۲. ورود غیرمسلمانان به مساجد

مشهور فقهای شیعه ورود غیرمسلمانان به مساجد را جایز نمی‌دانند و این موضوع را در مبحث احکام اهل ذمه (کتاب الجهاد) و یا احکام مساجد مورد بحث قرار داده‌اند. فقیهان شیعه هم ورود به مسجدالحرام و هم سایر مساجد را ممنوع دانسته و می‌نویسند: «برای آن‌ها ورود به مسجدالحرام و سایر مساجد جایز نیست هرچند مسلمانی اجازه بدهد.»^۲ مهم‌ترین دلیلی که فقهای امامیه و عامه بر عدم جواز ورود غیرمسلمانان به مساجد به آن استدلال کرده‌اند این آیه شریفه است: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از این سال نزدیک مسجدالحرام شوند.» (سوره توبه، آیه ۲۸) اکثر فقها در استدلال به این آیه «مشرکون» را تنها منحصر در بت‌پرستان و قائلین به شریک داشتن خدا نمی‌دانند و این آیه را به تمامی غیرمسلمانان گسترش داده و حتی اهل کتاب را هم تحت شمول آن می‌دانند.

بنابراین با گسترش معنای مشرک سایر غیرمسلمانان را هم تحت حکم آیه قرار داده و ورود آنان به مساجد را ممنوع اعلام می‌نمایند. این مسأله که آیا اهل کتاب، مشرک محسوب می‌شوند یا خیر از مسائل مطروحه و مورد اختلاف در فقه و حتی کلام و تفسیر بوده است. برخی فقها در مشرک بودن اهل کتاب تردید نموده و می‌نویسند: «دلالت آیه بر تمامی غیرمسلمانان موقوف بر اثبات مشرک بودن همه آنان است که این نظر خالی از ایراد

۱. تاج‌زاده نمین، پیشین، ص. ۲۲.

۲. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، جلد ۱، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات

الدینیة، ۱۴۱۸ ق، ص. ۱۱۱.

نیست.»^۱ امام خمینی نیز با رد استدلال برخی فقها از جمله صاحب جواهر^۲ مبنی بر نجس بودن همه کافران به دلیل فرزند خدا دانستن حضرت عیسی و یا عزیر پیامبر، می‌نویسد: «به هر صورت، نمی‌توانیم همه گروه‌های کفار را مشرک بدانیم ... و فقط گفتن اینکه عزیر فرزند خداست موجب شرک نمی‌گردد.»^۳ بنابراین آنچه که از معنای مشرک در قرآن به ذهن متبادر می‌گردد کسانی است که برای خدا در الوهیت شریک قائل می‌شوند و این از آیاتی که مشرکین را در کنار اهل کتاب و کفار بیان نموده و مشرکین را از آنان جدا ساخته کاملاً قابل فهم است.^۴ یکی دیگر از فقها در تأیید این نظر می‌گوید: «آنچه که از معنای مشرک به ذهن متبادر می‌گردد کسی است که به معبودی به جز خدا اعتقاد دارد.»

در احادیث آمده است معنای این که آن‌ها اخبار و رهبان را به جای خدا ارباب خود قرار دادند این است که اوامر و نواهی آن‌ها را پیروی می‌کردند. و این که در آیاتی از قرآن مشرکین بر اهل کتاب و یا برعکس با او به هم عطف شده‌اند نشانه دوگانگی معناست.^۵ دیگر مسأله‌ای که فقها در استدلال به آیه (إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ ...) بدان تمسک جست‌ه‌اند توجه به علتی است که آیه برای ممنوع ساختن ورود مشرکین به مسجد الحرام بدان اشاره کرده است و آن علت هم «نجس بودن» آنان است. فقها با استدلال به این که اولاً واژه «نجس» در آیه به معنای اصطلاحی آن به کار رفته است و ثانیاً تمام غیرمسلمانان همانند مشرکان نجس می‌باشند؛ نتیجه گرفته‌اند که تمامی کفار هم نجس بوده و ورود نجس به مسجد، طبق آیه ممنوع اعلام شده است. در پاسخ به این استدلال باید گفت که اولاً واژه «نجس» در آیه می‌تواند در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و معنای اصطلاحی آن مدّ نظر نبوده است. برخی فقها در این مورد اظهار نظر نموده و نوشته‌اند: «یرادی ندارد که مقصود از نجس در آیه، فساد درونی و پلیدی معنوی باشد که نتیجه و حاصل شرک است.»^۶ برخی فقها از خود آیه استفاده کرده و نتیجه گرفته‌اند که «نجس» در آیه به معنای لغوی

۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق، ص. ۳۱۹.

۲. نجفی، پیشین.

۳. خمینی، سید روح‌الله، کتاب الطهاره (طبعه الحدیثه)، جلد ۳، چاپ اول تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، بی‌تا، ص. ۴۰۴.

۴. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «مسلمانان کسانی که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان (ستاره‌پرستان) و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان در روز قیامت داوری می‌کند» (سوره حج، آیه ۱۷) و همچنین «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» «کافران از اهل کتاب و مشرکان جدا نبودند تا آن که برهان بر آن‌ها آمد» (سوره بینه، آیه ۱) (سایر آیات: بقره، ۱۰۵؛ آل عمران، ۱۸۶؛ مائده، ۱۸۲).

۵. عاملی محمد بن علی، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، جلد ۲، بیروت، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۱ ق، ص. ۲۹۶.

۶. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، جلد ۷، قم، مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق، ص. ۲۳۶.

می‌باشد زیرا ورود نجاست در معنای اصطلاحی به مسجدالحرام منعی ندارد: «ظاهر آن است که نجس در آیه مبارکه به معنای لغوی خود می‌باشد که همان پلییدی است و چه پلییدی بزرگ‌تر و بدتر از شرک؟! و همین معنا با منع نزدیک شدن به مسجدالحرام مناسب‌تر است؛ زیرا که نجس در معنای اصطلاحی اگر موجب بی‌احترامی نگردد مانع ورود به مسجدالحرام نیست.»^۱ ثانیاً با فرض پذیرش به کار رفتن واژه «نجس» در معنای اصطلاحی خود باز هم این اشکال وجود دارد که نمی‌توان همه کافران را نجس دانست. نجاست و یا عدم نجاست اهل کتاب از مباحث مورد اختلاف فقها بوده است. هر چند که مشهور فقها قائل به نجاست آنان هستند اما فقیهان بسیاری هم عقیده به پاکی اهل کتاب دارند. حداقل آن است که آیه مورد بحث بر نجاست کفار دلالت ندارد. برخی دیگر از فقها این آیه را برای اثبات نجس بودن - در معنای اصطلاحی - مشرکین هم قابل دلالت ندانسته و می‌نویسند: «نصاف آن است که آیه بر نجس بودن مشرکین دلالت ندارد تا چه رسد به نجس بودن اهل کتاب.»^۲

مسئله دیگری که در استدلال به این آیه مورد مناقشه است تعمیم حکم منع ورود مشرکین به مسجدالحرام به سایر مساجد است. این استدلال به دو صورت قابل طرح است. یکی آنکه با حکم به نجاست اصطلاحی کفار و با توجه به وجوب دور نگه داشتن مساجد از نجاست این نتیجه گرفته شود که ورود کفار به مساجد جایز نیست. در مورد نجاست کفار در مباحث قبلی به نتیجه رسیدیم که این نظر نادرست است. حتی با پذیرش نجاست آنان باز هم ورود آنان به مساجد لزوماً به معنای نجس شدن مسجد و سرایت نجاست به آنجا نیست. صورت دوم استناد به آیه شریفه، برداشتن خصوصیت از مسجدالحرام و تعمیم آن به تمامی مساجد است. به عبارت دیگر آن چه موجب ممنوع ساختن ورود مشرکین به مسجدالحرام شده است مسجد بودن آن است در نتیجه از ورود آن‌ها به سایر مساجد هم باید جلوگیری شود. اما در پاسخ باید گفت که اولاً الغای خصوصیت از مسجدالحرام و اینکه مسجدالحرام خصوصیتی به‌جز مسجد بودن ندارد، ادعای نادرستی است و ویژگی‌های مسجدالحرام اعم از مستحبات، مکروهات و حرام‌ها که برای سایر مساجد وجود ندارد در کتب فقهی مضبوط است. در پایان این بحث به عنوان جمع‌بندی به نظر علامه مجلسی اشاره می‌نماییم: «بر آیه (فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ) بر عدم جواز وارد نمودن نجاست به مسجدالحرام استدلال شده است. این نظر بعید نیست هر چند جای مناقشه دارد. اما استدلال به آن بر جایز نبودن ورود کافران به هر مسجدی استدلال ضعیفی است.»^۳

۱. خویی، سید ابو القاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳، بی‌جا، بی‌تا، ص. ۴۴.

۲. همان.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، جلد ۸۰، بی‌جا، بی‌تا، ص. ۳۴۳.

۳-۴. ورود غیرمسلمانان به سایر اماکن مذهبی

در مورد ورود غیرمسلمانان به سایر مکان‌های مقدّس از جمله حرم ائمه علیهم السلام، حرم امامزادگان، قبور علما و شهدا اصل بر آن است که منعی وجود ندارد زیرا اصل بر عدم حرمت می‌باشد و با توجه به آنکه دلیلی بر حرمت آن نداریم فلذا نمی‌توانیم ورود غیرمسلمانان به سایر اماکن مقدّس را ممنوع اعلام نماییم.

تنها مسأله‌ای که در این مورد بعضاً فقها بدان پرداخته‌اند بحث ورود کفار به حرم امامان معصوم علیهم السلام است که برخی آن را ملحق به مسجدالحرام و محدوده حرم دانسته‌اند: «تنقیح مناط اقتضای ملحق نمودن حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر امامان و همچنین دیگر مشاهد معظمه و حرم حضرت زهرا سلام الله علیها به حرم مکه است.»^۱

اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره نمودیم تنقیح مناط از حرم مکه و تعمیم آن به حرم معصومین ادعای نادرستی است. حتی فقها در موضوع حرمت ورود شخص جُنُب در الحاق حرم معصومین به مسجد و همانندی آن دو با هم تردید نموده‌اند^۲ حال چه برسد به همانندی حرم امامان و مسجدالحرام.

۱. عراقی، ضیاءالدین، شرح تبصره المتعلمین، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ق، ص. ۳۷۶.
۲. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، جلد ۳، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ ق، ص. ۴۹.

نتیجه‌گیری

جغرافیای فقهی به عنوان مرزبندی، دو حوزه را از هم تفکیک نموده است: دارالاسلام و دارالکفر. ملاک اصلی در تشخیص دارالاسلام بودن شهرها، جاری بودن احکام در آنهاست، چه حاکمیت آن منطقه به دست مسلمانان باشد چه نباشد و همچنین چه غلبه جمعیت با مسلمین باشد چه نباشد.

در زمان حاضر دیگر کافر حربی در معنای اصطلاحی خود که جان و مالش مصونیت و حرمتی نداشته باشد، مصداق خارجی پیدا نمی‌کند. با توجه به معاهدات بین‌المللی و قراردادهای فیما بین دولت‌ها اکثریت غیرمسلمانان خارج از سرزمین اسلامی تحت عنوان معاهد و مستأمن قرار می‌گیرند و احکام معاهده و امان بر آنها بار می‌شود. قوانین داخلی ما از جمله قانون اساسی و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی که کشور ما بدان‌ها پیوسته است مؤید همین نظر هستند. بنابراین منع اولیه‌ای برای ورود آنان به کشورهای اسلامی و اقامت در آن وجود ندارد. غیرمسلمانان مقیم کشور اسلامی نیز به‌عنوان اهل ذمه مورد حمایت دولت اسلامی هستند.

مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط غیرمسلمانان با مسلمانان قاعده نفی سبیل است که از قواعد ثانویه فقهی است و بر قواعد اولیه‌ای همچون اصل آزادی روابط بین‌المللی و پایبندی به قراردادها حکومت دارد و در صورت تعارض آن‌ها را از اعتبار ساقط می‌نماید و برخی از فقها، حتی ترس از سلطه یافتن کفار را هم از موارد اعمال قاعده دانسته‌اند.

غیرمسلمانان ملزم به رعایت صد در صد قوانین و آداب و رسوم مسلمین نیستند اما رفتار آنان در جامعه اسلامی نباید موجب تظاهر به فسق شود. در مورد حجاب زنان غیرمسلمان که برای گردشگری به کشور اسلامی آمده‌اند اصولاً و به‌عنوان حکم اولیه منعی وجود ندارد اما چنانچه بنا به تشخیص حاکم مسلمین این مسأله موجب گسترش فساد و بی‌بندوباری در جامعه اسلامی گردد، بخاطر مصلحت و به‌عنوان حکم ثانوی می‌توان برای زنان گردشگر محدودیت حجاب قائل شد.

اصولاً هیچ‌گونه منعی برای ورود غیرمسلمانان به کشورهای اسلامی و اقامت و گردش در آن وجود ندارد مگر آن دسته از غیرمسلمانان که به ستیز و جنگ علیه حکومت اسلامی اقدام می‌کنند و امنیت آن را مورد هجوم قرار می‌دهند که تحت شمول عنوان کافر حربی و قرار می‌گیرند و ورود به کشور اسلامی منع شده است.

تعمیم حکم قرآن در مورد عدم جواز ورود «مشرکین» به «مسجدالحرام» به «همه غیرمسلمانان» و «تمام مساجد» چندان صحیح نیست و به نظر می‌رسد که باید به قدر متیقن اکتفا نمود زیرا اولاً مشرک یکی از قسیم‌های غیرمسلمان به شمار می‌رود

و به هیچ وجه به معنی اهل کتاب و کافر نخواهد بود. این تمایز در آیات مختلفی از قرآن کریم هم مورد اشاره قرار گرفته است. ثانیاً الغای خصوصیت از مسجدالحرام و تعمیم آن به سایر مساجد با توجه به ویژگی‌های مسجدالحرام، گسترش موضوعی نادرستی است. بنابراین برای ورود غیرمسلمانان به مساجد منعی وجود ندارد مگر مشرکین که به حکم قرآن از ورود به مسجدالحرام منع شده‌اند.

در مورد ورود غیرمسلمانان به سایر اماکن مذهبی اعم از حرم ائمه علیهم السلام، حرم امامزادگان، قبور علما و شهدا هم منع اولیه‌ای وجود ندارد و با توجه مطالب پیش گفته، نمی‌توان حرم معصومین علیهم السلام را در حکم حرمت ورود ملحق به مسجدالحرام دانست.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
- تاجزاده نمین، ابوالفضل، «نگرشی بر جایگاه فرهنگ و ضوابط اخلاقی در گردشگری»، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۳.
- جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد؛ و یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بیروت، دارالثقلین، ۱۴۱۹ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء (طبعه القديمه)، بی جا، بی تا.
- حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، جلد ۱، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، ۱۴۱۸ ق.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه دار العلم، بی تا.
- _____، کتاب الطهاره (طبعه الحدیثه)، جلد ۳، چاپ اول تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، بی تا.
- خویی، سید ابو القاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳، بی جا، بی تا.
- طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، جلد ۳، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ ق.
- طبرسی، شیخ حسن، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
- _____، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
- عاملی، محمد بن علی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، جلد ۲، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ ق.
- عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- عراقی، ضیاء الدین، شرح تبصره المتعلمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ق.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

-
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام، جلد ۸۰، بی‌جا، بی‌تا.
 - مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
 - مؤتمنی طباطبائی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
 - نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
 - همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، جلد ۷، قم، مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- Anholt, Simon, Brand New Justice: The Upside of Global Branding, Butterworth Heinemann, Oxford, 2003.